Journal of Fiqh and Usul
Vol. 53, No. 3, Issue 126
Autumn 2021
DOI: https://doi.org/10.22067/jfu.v53i3.84231

فقه و اصول
سال پنجاه و سوم، شماره ۳، شمارهٔ پیاپی ۱۲۶
پاییز ۱۴۰۰، ص ۱۰۵-۸۷

بررسی حقوق دارندگان سگ‌های تزئینی از نگاه فقه امامیه و حقوق ایران با تأکید بر رویهٔ قضایی*

مهدیه لطیف زاده
دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه فردوسی مشهد
Email: m.latifzadeh@mail.um.ac.ir
حمید افکار[۱]
دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه فردوسی مشهد
Email: hamidafkar@mail.um.ac.ir
دکتر عبدالله خدابخشی شلمزاری
استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
Email: dr_khodabakhshi@um.ac.ir

چکیده

توجه به تغییرات زمانی، مکانی و شرایط متعارف تدریجی هر جامعه امری ضروری است. یکی از مباحث مطرح‌شده در فقه امامیه، مالیت‌نداشتن اعیان نجس است که عرف جامعه نیز در گذشته بر این امر، مهر تأیید نهاده بود. باتوجه‌به تغییرات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، این نظر همانند سابق به قوت خود باقی نیست و در برخی مصادیق علاوه بر تغییر نگرش غالب اجتماعی، نظر فقها نیز دربارهٔ مالیت این اعیان تغییر یافته است. راجع به سگ‌های تزئینی که ازجمله اعیان نجس است، باید گفت: باتوجه‌به تغییرات اجتماعی، مالیت عرفی آن‌ها ثابت است، اما همچنان قید منفعت حلال (مشروع) برای آن‌ها متصور نیست و این امر موجب رویکردهای متفاوتِ حمایتی و غیرحمایتی نسبت به حقوق دارندگان سگ‌های تزیینی شده و زمینهٔ صدور آرای اختلافی در رویهٔ قضایی را نیز فراهم کرده است. به نظر می‌رسد باتوجه‌به مالیت عرفی این اعیان که از نگاه حقوق و برخی منابع فقهی تأییدشدنی است و نیز حق اختصاصی که فقه به دارندگان این اعیان نجس می‌دهد، باید رویکرد حمایتی را لحاظ کرد و آثار این رویکرد حمایتی (مسئولیت مدنی و کیفری) را نیز بار کرد.

کلیدواژه‌ها: مالیت عرفی اعیان نجس، حق اختصاص، سگ‌های تزئینی، مسئولیت مدنی، مسئولیت جزایی.

---

*. مقاله پژوهشی؛ تاریخ وصول:۱۳۹۸/۰۸/۲٤؛ تاریخ تصویب نهایی:۱۳۹۹/۰۲/۲٤.
[۱]. نویسنده مسئول

Examining the Rights of Owners of Pet Dogs from the Perspective of Imamia Jurisprudence and Iranian Law with Emphasis on the Jurisprudence of Courts

Mahdieh LatifZade, Ph.D. Student of Private Law, Ferdowsi University of Mashhad
Hamid Afkar, Ph.D. Student of Private Law, Ferdowsi University of Mashhad (corresponding author)
Abdallah Khodabakhshi Shalamzari, Ph.D., Assistant Professor, Ferdowsi University of Mashhad

Abstract
Paying attention to the changes of time, place and gradual conventional circumstances of every society is necessary. One of the issues raised in Imamia jurisprudence is that the impure objects are not capable of being owned; previously confirmed by the custom of society as well. Due to economic, cultural and social changes, this view does not remain as strong as before and in certain cases, in addition to the change of the prevailing social attitude, the Islamic jurists have also changed their opinion as to the capability of these objects to be owned. As regards pet dogs which are among impure objects, it may be said that given the social changes, their customary capability to be owned is uncontroversial; however, the qualification of halal (legitimate) profit is not still imaginable for them and this has led to different approaches to protection and non-protection of the rights of owners of pet dogs and has also provided the basis for the issuance of controversial decisions in the jurisprudence of courts. It seems that considering the customary capability of these objects to be owned, which is verifiable from the viewpoint of law and some sources of Islamic jurisprudence, as well as Haghe Ikhtisas (a special right resulting for example from possessing something) that Islamic jurisprudence recognizes for the owners of these impure objects, the protective approach should be adopted and the effects of this protective approach (civil and criminal responsibility) should be accepted.

Keywords: Customary Capability of Impure Objects to be Owned, Hahge Ikhtisas, Pet Dogs, Civil Responsibility, Criminal Responsibility.

مقدمه

اعیان نجس مواردی است که در شریعت اسلام به نجاست آن‌ها حکم شده است. بـه اعیـان نجـس، نجاست نیز گفته می‌شود؛ مانند سگ، خوک، کافر، شراب و... (شهید ثانی، ۲۸۴؛ خمینـی، ۱۵). روشـن است که سگ‌ها نیز از مصادیق اعیان نجس هستند، لیکن چهار قسم از سگ‌ها[1] به‌دلیل ویژگی‌های خـاص و اهداف مورد استفاده، از حکم حرمت خارج هستند و به همین علت انتفاع‌جستن از آن‌ها و خریدوفروش آن‌ها به‌دلیل مالیت‌داشتن، مجاز شمرده شده است (کاشف الغطاء، ۱۸). سگ‌های تزیینی که محـل بحـث این پژوهش است از زمرهٔ سگ‌های چهارگانهٔ مجازشمرده‌شده در فقه خارج‌اند و به همین دلیل تحت حکمِ حرمت اعیان نجس و مالیت‌نداشتن باقی هستند. همچنین باید گفت راجع به برخی مصادیق اعیان نجس، علاوه بر تغییر نگرش غالب اجتماعی، حتی نظر فقها نیز بر مالیت این اعیان تغییر یافتـه اسـت؛ چراکـه در زمان‌های گذشته به‌دلیل تصورنداشتن منفعت حلال و عقلایی برای اعیـان نجسِ، بـه مالیت‌نداشـتن ایـن اعیان در منابع فقهی حکم شده بود. در عصر کنونی برای برخی از این اعیـان، منفعـت عقلایـی و حلالـی ایجاد شده است و از این جهت حکم بر مالیت آن‌ها نیز با اشکال فقهی مواجه نیست؛ مانند مالیـت خـون در مصارف پزشکی. در خصوص برخی مصادیق دیگر اعیان نجس مثل سگ‌های تزیینی که در ایـن مقالـه تمرکز بر آن‌ها است، دو قید منفعت حلال و عقلایی در کنـار هـم وجـود نـدارد و بـه همـین دلیـل مالیـت سگ‌های تزیینی به‌صراحت بیان‌شدنی نیست.

بحث اصلی پژوهش این است که باتوجه‌به سبقهٔ فقهی دربارهٔ سگ‌های تزیینی که جنبهٔ مالیت‌نداشـتن در آن برجسته است و تغییرات اجتماعیِ حاصل‌شده که بُعد مالیـت سـگ‌های تزیینـی را تقویـت می‌کنـد، دارندگان این سگ‌ها از چه حقوقی برخوردار هستند و در صورت تعرض از جانب سایر افراد چـه ضـمانت اجراهایی برای آن‌ها وجود دارد. بنابراین در فراز اول این پژوهش حقوق دارندگان سگ‌های تزیینـی در فقـه امامیه و در فراز بعدی مسئلهٔ موجود در حقوق ایران بررسی خواهد شد و در قسمت نهایی نیز بیـان خواهـد شد که از رویکرد فقه امامیه و حقوق ایران نسبت به مسئلهٔ حاضر چه نتیجه‌ای حاصل خواهد شد.

۱. رویکرد فقه امامیه نسبت به حقوق دارندگان سگ‌های تزیینی

برای بررسی مسئله در فقه امامیه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. سگ‌های چهارگانه عبارت‌اند از:
أ. کلب صید (سگ شکاری): سگی که تعلیم داده می‌شود و برای صاحبش صید می‌کند.
ب. لب زرع (سگ زراعت) که از زراعت حفاظت می‌کند.
ج.کلب ماشیه (سگ گله): همراه گوسفندها با گله برای حراست گوسفندان حرکت می‌کند.
د. کلب حائط (سگ نگهبان): که از خانه، اطراف خانه و اطراف باغ حراست می‌کند.

۱-۱. عدم مالیت اعیان نجس

سگ‌های تزیینی مصداقی از مجموعۀ اعیان نجس هستند، به همین دلیل احکام کلی این اعیان دربارۀ سگ‌های تزیینی نیز جاری است. بنابراین باید گفت: ازنظرِ فقه امامیه اعیان نجس مالیت ندارند (فیاض، ۳۱۱؛ انصاری، ۶۲/۱؛ روحانی، ۱۰۶/۱؛ منتظری، ۱۱۶/۲؛ عراقی، ۱۸)، در زمرۀ اموال جای نمی‌گیرند و اصل راجع به انتفاع از آن‌ها نیز حرمت است (صاحب‌جواهر، ۷۷؛ قمی، ۵۹/۱). بر این اصل روایات متعددی[۱] در فقه مشهود است. باتوجه‌به مبانی فقهی ممکن است این اعیان ازنظر عقلا مالیت (مالیت عرفی) داشته باشد، ولی فاقد امضای شارع هستند؛ چون منافع آن ازنظر شرع حرام است، پس مالیت خود را از دست می‌دهد و هیچ‌یک از احکام مال مانند احکام بیع و... بر آن بار نمی‌شود (مکارم شیرازی، انوار الفقاهه، ۳۰).

در این قسم، ذکر نکته‌ای خالی از فایده نیست و باید گفت در مقابل مالیت‌نداشتن اعیان نجس و جوازنداشتن انتفاع، دو استثنا وجود دارد؛ اولاً برای مسلمان منوط به شرط منافع حلال و عقلایی که بیان شد، است؛ ثانیاً برای مستحلینی که استفاده از این اموال برای آن‌ها مجاز است. بنابراین مسلمان باید مواردی را که افراد سایر مذاهب، مال به‌شمار می‌آورند، محترم شمارد و مستحل این اموال می‌تواند به مالیت اعیان نجس[۲] در مقابل مسلمان استناد کند.

در مقام توضیح این دو استثنا می‌توان گفت: بسیاری از فقهای متقدم (ابن‌بابویه، ۴۱۹؛ علم‌الهدی، ۱۰۰؛ خوانساری، ۱۸۱/۵؛ بحرانی، ۲۰۷/۵) و متأخر قائل به جواز انتفاع از اعیان نجس برای مسلمانان در امور غیرمشروط به طهارت؛ نظیرِ موارد درمانی، صنعتی، آزمایشگاهی یا خوراندن به حیوانات دیگر و برای مستحلین[۳] به‌طور مطلق هستند.

---

۱. أ. موثقۀ زیدبن‌علی(ع): «رسول خدا(ص) لعن کرده است؛ شراب، فشارنده، افشرده، فروشنده و خریدار، خوراننده، خورندۀ قیمت، خورنده، باربر و تحویل‌گیرندۀ آن را» (حر عاملی، ۲۲٤/۱۷).

ب. روایت از علی(ع) که حضرت فرمودند: در ثمن سگ شکاری اشکالی وجود ندارد (ابن‌حیون، ۱۹/۲)

ج. صحیحۀ علی‌بن‌جعفر(ع) مرحوم حمیری در *قرب الاسناد* با طریق معتبر از علی‌بن‌جعفر(ع) نقل می‌کند که از حضرت سوال شده: بیع نسیه‌ای میان دو کافر بر شراب یا خوک واقع شده است و قبل از دریافت ثمن و پول معامله، یکی از آن‌ها مسلمان می‌شود. آیا کافر می‌تواند بعد از اسلامْ ثمن معامله را بگیرد؟ امام فرمودند: «همانا ثمن برای او است، لذا گرفتن آن ایرادی ندارد (حر عاملی، ۲۳٤/۱۷). این فرمایش امام(ع) همان طور که دلالت دارد که معامله بر خوک و اعیان نجس بین دو کافر و قبل اسلام صحیح است، با مفهوم مخالفش می‌رساند که مسلمان بعد از اسلام حتی اگر مشتری از کفار و مستحلّین باشد؛ به‌دلیل مالیت‌نداشتن این اعیان نمی‌تواند معامله بر اعیان نجس انجام دهد.

د. روایت معاویۀ‌بن‌سعد؛ معاویۀ‌بن‌سعد از امام‌رضا(ع) دربارۀ نصرانی‌ای که اسلام آورده، درحالی‌که نزد او، خمر و خوک‌هایی بوده و بدهکار نیز است، سؤال کرد که آیا وی می‌تواند خمر و خوک‌ها را بفروشد و بدهی خود را بپردازد؟ حضرت فرمود: «خیر» (کلینی، ۲۳۱/۵).

۲. علاوه بر سگ‌های تزیینی که مصداق بحث این پژوهش هستند، مالیت مردار نزد مستحلین نیز در برخی منابع بحث شده است (اصغری و لطیف‌زاده، ۱۳۵).

۳. احترام به اموال مستحلین در رویۀ قضایی نیز مشاهده می‌شود. در نظریۀ مشورتی شمارۀ ۷/۹۵۱۱ مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۱۷ نیز عنوان شده است: «غیرمسلمانی که در ایران زندگی می‌کند، محقون‌الدم بوده مالشان محترم است و لذا سرقت شراب، خوک و سگ آنان جرم است».

روایات مختلفی[1] در مقام دلیل که بیانگر جواز انتفاع از اعیان نجس توسط مسلمانان که موظّف به رعایت شرایط خاص مثل طهارت هستند، وجود دارد. عمدهٔ بحث در اکثر روایات ناظر بر جواز انتفاع از پوست و موی خوک و سگ است، ولی این جواز به‌طور مطلق شامل همهٔ اجزای خوک و سگ می‌شود؛ زیرا پوست و مو خصوصیت جداگانه‌ای ندارد که روایات و بحث را منصرف به این دو کنیم و اصالة الحلیة در همهٔ اجزای این حیوانات جاری است. علت اینکه تنها این دو جزء در کلام فقیهان پیشین و روایات بیان شده است، شاید به این سبب باشد که در آن زمان منفعت حلالی در غیر از پوست و موی خوک متصور نبوده، لذا فقط به این دو مورد بسنده شده است. بنابراین روایات، جواز انتفاع از اجزا را مطلقاً ثابت می‌کند و فرقی بین اجزا نیست. در واقع به دلالت روایات و الغای خصوصیتِ پیش‌گفته و به استعانت از مفهوم اولویت، جواز انتفاع از خوک، سگ، خمر و بلکه همهٔ اعیان نجس برای مسلمان در اموری که مشروط به طهارت نیست، جایز است. ازاین‌رو، اعیان نجس به‌دلیل وجود منافع حلال و عقلایی مال به شمار می‌آیند و حلیت انتفاع از این اشیا، آن‌ها را در زمرهٔ اموال قرار می‌دهد. افزون بر آن باید گفت که صِرف نجس‌بودن، مانع مالیت و ملکیت نمی‌شود (فاضل لنکرانی، ۴۱).

۱-۲. وجود حق اختصاص برای دارندگان اعیان نجس

در فقه امامیه برای دارندگان اعیان نجس تنها حق اختصاص وجود دارد و مالیت و ملکیت برای این اعیان در نظر گرفته نشده است. در تعریف حق اختصاص آمده است که حق اختصاص عبارت است از: حق ثابت برای شخص بر چیزی به‌سبب وجود علقه‌ای غیر از ملکیت بین او و آن چیز. یکی از متعلقات حق اختصاص آن چیزی است که ازنظر شرع یا عرف مال به شمار نیاید؛ مانند فضولات انسان یا مالیت عرفی داشته باشد، لیکن ازنظر شرع قابل تملک نباشد، همچون شراب تحت تصرف مسلمان. صاحب حقِ اختصاص در استفاده از متعلق حق، سزاوارتر از دیگران است. بنابراین، در موارد ثبوت حق اختصاص هرگونه مزاحمت و کنارزدنِ صاحب حق و نیز تصرف در متعلق حق بدون اجازهٔ او حرام است (هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت(ع)، ۳۳۰/۳).

---

۱. أ. صحیحهٔ زراره؛ زراره می‌گوید: از امام‌صادق(ع) پرسیدم که اگر از پوست خوک دلوی ساخته شود و با آن از چاه آب کشند، از آن آب می‌توان استفاده کرد؟ فرمود: «اشکالی ندارد» (حر عاملی، ۱۷۵/۱).

ب. صحیحهٔ دوم زراره؛ زراره می‌گوید از امام‌صادق(ع) پرسیدم: اگر از چاه با ریسمانی از جنس موی خوک آب کشند، از آن آب می‌توان وضو گرفت؟ حضرت فرمود: «اشکالی ندارد» (همو، ۱۷۰). دربارهٔ فقه‌الحدیث این روایت، احتمالاتی مطرح است و برخی معتقدند: «سؤال زراره از جواز وضوی با آب چاه است نه از آب دلو، لذا حکم به جواز وضو از سوی امام مربوط به آب چاه است و چنانچه سؤال راوی از وضوگرفتنِ با آب دلو باشد، در توجیه حکم امام(ع) به جواز گفته شده که ریسمان با آب دلو بعد از انفصال از چاه ملاقات نکرده یا آب دلو به مقدار کرّ است» (همو، ۱۷۰تا171)، اما فقیهان امامیه در مقام استدلال به جواز انتفاع از اعیان نجس به این روایت استناد کرده‌اند.

ج. صحیحهٔ سوم زراره؛ زراره می‌گوید به امام باقر(ع) عرض کردم: یکی از شیعیان شما از موی خوک، بند غلاف شمشیر می‌سازد. این عمل وی جایز است؟ حضرت فرمود: «بعد از فراغ از آن عمل، دستان خود را بشوید» (حر عاملی، ۱۶۷/۱۲).

فقها (نک: همراه با دایرة المعارف فقه اسلامی اتلاف، ۲۱۷/۵۰) دربارهٔ تصرف در چیزی که متعلق حق دیگری است، با الغای خصوصیت مالیت بیان کرده‌اند که تصرف جایز نیست، گرچه مال افراد نباشد و مصداق حق اختصاص باشد و (عرفاً یا شرعاً) مالیت نداشته باشد. در نگاه فقها (هاشمی شاهرودی، موسوعة الفقه الإسلامی، ۲۱۲/۳) مزاحمت برای دارندگان اعیان نجس حرام است (وجود حکم تکلیف)، لیکن دربارهٔ اتلاف این اعیان توسط مزاحم، حکم به ضمان (حکم وضعی) داده نمی‌شود. در واقع تصرف حرام است، اما ضمانتی به دنبال ندارد؛ چراکه مال‌بودن موضوع در حکم ضمانت دخیل است و هر چیزی که مالیت نداشته باشد، از موضوع ضمان خارج است (همراه با دایرة المعارف فقه اسلامی اتلاف، ۱۹۴/۵۱). در همین مسئله برخی از فقها (نایینی، ۳۶۵/۲تا۳۶۶) بیان کرده‌اند که حق این است که ضمان مطلقاً ثابت است، هرچند شیء مورد ضمان ملک نباشد؛ چون برای ثبوت ضمان، حق اختصاص صاحب نسبت به آن شیء کفایت می‌کند و برای ثبوت ضمان نیاز به ملکیت تام نیست، بلکه مرتبهٔ پایین‌تر از ملکیت که از آن تعبیر به حق می‌شود نیز کافی است. این ثبوت ضمان به‌دلیل مالیت و ملکیت‌نداشتن، جواز خریدوفروش را ثابت نمی‌کند.

۱-۳. پذیرش مالیت عرفی اعیان نجس

مالیت‌داشتن اعیان نجس باتوجه‌به تغییرات زمان و مکان (مالیت عرفی این اعیان) در نظر برخی فقها به چشم می‌خورد. برای نمونه در کتب فقهی بیان شده است که در میان علمای پیشین، سخن از دخالت عنصر زمان و مکان در صدور احکام صراحت چندانی نداشته و اغلب در قالب بیان مصادیق و موضوعات مرتبط با این بحث به آن اشاره‌ای داشته‌اند. آنچه از بررسی اقوال و مبانی این بزرگان به دست می‌آید، این است که آنان لااقل به اجمال بر توجه به زمان و مکان و تأثیرات آن اتفاق‌نظر داشته‌اند. بزرگان فقهی (محقق کرکی، ۱۱/۴تا۱۲) در مسائلی نظیر حرمت بیع اعیان نجس، ملاک در جواز و عدم جواز فروش اعیان نجس را مالیت و انتفاع و عدم آن دانسته‌اند که به‌لحاظ زمان‌ها و مکان‌های مختلف تغیّر پیدا می‌کند[۱] (مکارم شیرازی، دائرة المعارف فقه مقارن، ۲۷۰)، لیکن باید در این موارد به وجود قیدی نیز توجه کرد و گفت: مال‌شمردن مواردی که سابقاً در فقه مال نبوده و اکنون به آن‌ها مالیت اعطا شده است اگر همراه با منافع حلال و عقلایی باشد، صحیح است. در واقع منافع حلال و عقلایی‌ای که با تغییر زمان و مکان برای اعیان نجس یافت می‌شود، ملاک مشروعیت بخشیدن به این اعیان و قراردادن آن‌ها در زمرهٔ اموال مشروع است و صرف وجود رغبت و نفع عرفی به این اعیان، مجوز شرعی برای مالیت این اعیان نیست. باید گفت عبارت

۱. مرحوم شهید اول نیز در قواعد ضمن تصریح به تغییرات و تأثیرات زمان و مکان می‌نویسد: «یجوز تغییر الأحکام بتغیّر العادات ... » (۱۵۱).

تغییر زمان و مکان که در کلام فقها استفاده شده است، گرچه مالیت شرعی این اعیان را ثابت نمی‌کند، ولی به مالیت عرفی این موارد نیز خدشه‌ای وارد نمی‌سازد.

برخی از فقها نیز (نراقی، عوائد الأیام، ۱۱۳) در تعریف مال، نظر عرف بر شرع را مقدم دانسته‌اند؛ چراکه مرجع معنای مالکیت، مالیت، ملک و مال، معنایی عرفی و لغوی است و شناخت آن منوط به بیان شرع یا دلیل شرعی نیست، بلکه در این زمینه همانند سایر الفاظی که فاقد حقیقت شرعیه‌اند باید به عرف و لغت مراجعه کرد. افزون بر آن، منفعت معتبر در خصوص اموال منصرف به منفعت عقلایی است و وجود رغبت عقلا ملاک این منفعت است (همو: مستند الشیعة، ۳۰۴/۱۴). بنابراین می‌توان گفت رغبت عرفی که دربارهٔ سگ‌های تزیینی وجود دارد، به‌طور یقینی مال‌بودن این اعیان را نسبت به مالیت‌نداشتن آن‌ها مرجح می‌سازد و سگ‌های تزیینی مالیت عرفی دارند.

عبارت برخی منابع فقهی (یوسفی، ۱۱۲تا۱۱۳) نیز به شرح ذیل مؤید آن چیزی است که بیان شد: «همان گونه که وضع و اعتبار عناوین عرفی توسط عرف و عقلا صورت می‌پذیرد، ساقط‌کردن آن‌ها از اعتبار نیز فقط توسط عرف و عقلا ممکن خواهد بود. بنابراین شارع (به‌عنوان اعتبارکنندهٔ اعتباریات شرعی) آن عناوین را از اعتبار عرفی ساقط نمی‌کند؛ زیرا درصورتی‌که عرف و عقلا با اسقاط شارع مخالفت کنند، آن عناوین اعتباری عرفی از اعتبار عرفی ساقط نمی‌شود. در صورت موافقت عرف و عقلا با اسقاط شارع، این امر در واقع به اسقاط عرف و عقلا برگشت دارد نه اسقاط شارع که به سبب این است که اعتبار و اسقاط شارع تابع مصالح و مفاسد می‌باشد و در اسقاط عناوین عرفی و عقلایی هیچ‌گونه مصلحتی نهفته نیست، بلکه بر آثار و پیامدهای آن عناوین مصالح و مفاسدی مترتب است و نهی شارع متوجه آثار و پیامدهایی است که بر آن‌ها مفاسدی مترتب باشد. اگر عرف و عقلا نهی شارع را پذیرفته و بدان عمل کنند، در آن صورت ممکن است آن عنوان خاص از شیئی ساقط شود؛ مثلاً برخی از آثار و پیامدهای مال‌بودن گوشت خوک، خریدوفروش و خوردن آن است. حال اگر شارع عرف و عقلا را از آن امور نهی کند، درصورتی‌که عرف مردم به نهی شارع عمل و از آن امور پرهیز کند، ممکن است گوشت خوک از مالیت ساقط شود، اما اگر عرف و عقلای مخاطبِ نهی شارع، از اموری که شارع آن‌ها را نهی کرده است، پرهیز نکنند، آن اشیا از آن عنوان ساقط نمی‌شوند. مثلاً اگر عرفِ مخاطب نهی شارع، همچنان گوشت خوک را برای خوردن استفاده یا خریدوفروش کنند، گوشت خوک در نظر عرف و عقلا از مالیت ساقط نمی‌شود. "

در این قسم و با تأمل در رویکرد فقه امامیه باید دربارهٔ سگ‌های تزیینی گفت: در نگاه اول این اعیانِ نجس مالیتی ندارند و حکم آن‌ها مالیت‌نداشتن است، ولی برای دارندگان آن‌ها حق اختصاص وجود دارد و مالیت عرفی این اعیان نیز ثابت است.

۲. رویکرد حقوق ایران نسبت به حقوق دارندگان سگ‌های تزیینی

در قوانین موضوعه مقره‌ای که به‌صراحت حمایت از امـوال را بـر اسـاس طـاهر یـا نجس‌بـودن آن‌هـا مشخص کرده باشد، وجود ندارد. از سوی دیگر، اصل چهار قانون اساسی دلالـت بـر ابتنـای تمـام قواعـد قانونی حاکم با موازین اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران دارد. [1]عدم صـراحت قـانون و تأثیرپـذیری قواعد حقوقی از منابع فقهی از یک سو و توجه به مبانی اجتماعی، ارزش‌های عرفی و حقوق مالی اشخاص از سوی دیگر، سبب شده است تا رویهٔ قضایی در برخورد با موضوع پـذیرش مالیـت سـگ‌های تزیینـی بـا تردید جدی مواجه و زمینهٔ صدور آرای متفاوت فراهم شود؛ چراکه توجـه صـرف بـه مالیت‌نداشـتن اعیـان نجس در شرع (به غیر از مواردی که استثنا شده است) زمینه‌ساز این اعتقاد است کـه آنچـه مـورد حمایـت شرع نباشد را نباید در قوانین حمایت کرد و پذیرش دعاوی آن‌ها نیز مسموع نیست. البته روشـن اسـت کـه منظور از اعیان نجس در این بخش، آن دسته از اعیانی هستند که در شرع نقل و انتقال آن‌ها منـع شـده‌اند و جزء استثنائات نیستند، در غیر این صورت رویکرد حمایتی از اعیان نجسی که در شرع نیـز مـورد حمایـت بوده (مانند سگ‌های چهارگانه) و مال تلقی شده‌اند، معلوم و بدیهی است. [2]

رویکرد حقوقی نسبت به مسئلهٔ حاضر دو بُعد دارد. در بُعد اول، سخن در عدم حمایت حقوقی اسـت که منشأ آن لزوم وجود مشروعیت برای مال‌شمردن شیئی و بارنمودن حمایت‌های حقوقی اسـت و در بُعـد دوم سخن از کافی‌بودن مالیت عرفی برای جریان حمایت‌های حقوقی است.

۲-۱. عدم جریان حمایت حقوقی از سگ‌های تزیینی

اقتباس بسیاری از مقررات حقوقی از احکام و مبانی فقهی و لزوم انطباق آن‌ها با موازین شرعی و قانون اساسی این نکته را به ذهن متبادر می‌سازد که مالیت شرعی نیز در مالیت تلقی‌کردن مالی ضروری اسـت و معیار شرعی از مالیت مالی به‌قدری مهم تلقی شده است که در صورت فقـدان ایـن وصـف، بـه‌طور کلـی مالیت آن شیء نادیده گرفته شده است. [3] به‌طوری‌که گویی چنین شیئی اصلاً وجود ندارد و تعیین مجازات

---

۱. اصل چهارم قانون اساسی: کلیهٔ قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همهٔ اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر برعهـدهٔ فقهای شورای نگهبان است.

۲. برای مثال در خصوص سگ گله و نگهبان که به‌عنوان برخی مصادیق از سگ‌های اربعه تلقی شده‌اند، آرای متعددی صادر شده است که به یک نمونه اشاره می‌شود. در تصمیم شمارهٔ ۹٤۰۹۹۷۷۵۹۳٤۰۱۲۵۹ صادره از شعبهٔ ۱۳٤دادگاه کیفری دو مشهد آمده است: «در خصوص اتهام آقای... دائر بر سرقت یک قلادهٔ سگ گله (که حسب اعلام شاکی معادل ۲ میلیون تومان ارزش دارد) دادگاه بـزه انتسـابی را محـرز و مسـلم دانسته، متهم را به تحمل یک سال حبس و پنجاه ضربه شلاق و رد اموال شاکی یک قلاده سگ گله به مالباختـه و در صـورت فقـدان عـین، قیمت آنکه حسب اعلام شاکی معادل ۲ میلیون تومان می‌باشد، محکوم و اعلام می‌گردد...».

۳. در تصمیم پروندهٔ کلاسهٔ ۹۵۰۸۵۹ مورخ ۱۳۹۵/۸/۱٦ شعبهٔ ٦۲۹ دادیاری دادسرای مشهد آمده است: «در خصوص اتهام... دائر بر خیانـت در امانت... شاکیه در اظهارات خود اعلام نموده که یک قلادهٔ سگ نژاددار پاکوتاه را برای مدت چند روز جهت نگهـداری و بـه امانـت نـزد آقای... سپرده که پس از مراجعه به ایشان جهت بازپس‌گرفتن سگ، ایشان از مستردکردن آن امتناع نموده است. در بزه خیانت در امانت چیزی

بر اساس ارزش عرفی مخالف شرع است.[1] در همین راستا تعدادی از قضات دیوان عالی کشور به‌طور مشابه با اعتقاد به مالیت شرعی نداشتن مشروبات الکلی نظر داده‌اند که جرم قاچاق نسبت به این موارد اِعمال‌شدنی نیست (مهدی‌پور، ۱۳۸۴،۳۷)، به‌دلیل اینکه برای فهم مال باید به برخی مواد قانون مدنی مانند مادهٔ ۲۱۵ قانون مدنی رجوع کرد که مقرر می‌دارند: «مورد معامله باید مالیت داشته و متضمن منفعت عقلایی مشروع باشد». بنابراین برای اینکه شیئی مالیت داشته باشد، باید هر دو شرط یادشده را داشته باشد و وجود مشروعیت در انتفاع، شرط لازم برای مال تلقی‌شدن است. بنابراین تنها اشیائی مال هستند که شرع نیز آن‌ها را مال به شمار آورد و اموالی که مشروع نباشند، مورد حمایت قانون نیستند. به عبارت دیگر، سگ‌های تزیینی مال به شمار نمی‌آیند و تحت حمایت قانون به‌منظور بارنمودن اوصاف مدنی و جزایی نیستند.

۲-۲. جریان حمایت حقوقی از سگ‌های تزیینی

از نگاه حقوق‌دانان مال چنین تعریف شده است که اموال اشیائی هستند که دارای ارزش مبادله باشند، اگرچه مالکی هم نداشته باشند (امامی، ۲۷/۱) و برخی نیز گفته‌اند که مال ازنظر حقوقی به چیزی اطلاق می‌شود که مفید باشد و نیازی را برآورد، خواه آن نیاز مادی باشد یا معنوی و قابل اختصاص‌یافتن به شخص یا ملت معین باشد. در عرف جامعه و تعریف مرسوم مال گفته می‌شود: هر چیزی که دارای ارزش اقتصادی باشد و در برابر آن پول یا مال دیگر داده می‌شود را باید مال دانست و معیار تمیّز این ارزش نوعی است و در اختیار عرف است (کاتوزیان، اموال و مالکیت، ۹و۱۰). بنابراین عمده شرایطی که حقوق‌دانان برای مال بر شمرده‌اند، عبارت‌اند از: مفیدبودن، قابلیت اختصاص‌داشتن به شخص یا ملت معیّن و ارزش اقتصادی برای مبادله و قابلیت نقل و انتقال است (رجایی و محقق داماد، ۱۵۰). برخی حقوق‌دانان دیگر نیز علی‌رغم ملاک نظر شرع، در باب مالیت شیئی معتقدند که رواج‌داشتن کالا در بازار بین مردم یعنی متقوم‌بودن آن به‌طور مطلق، شرط مالیت‌داشتن آن است (میرمحمد صادقی، ۲۰۹)؛ بنابراین مالیت عرفی شیئی همواره مقید به وجود مالیت شرعی آن نیست. علاوه بر این، تحلیل نتایج اجتماعی برخی اعمال و لزوم برقراری نظم عمومی ایجاب می‌کند تا شکایات راجع به سگ‌های تزئینی پذیرفته شود و به بهانهٔ

که به امانت سپرده شده باید دارای مالیت باشد تا مورد حمایت قانون قرار داشته باشد و با عنایت به اینکه مطابق شرع اسلام تنها چهار نوع از سگ دارای مالیت است که موضوع شکایت شاکیه هیچ‌کدام از آن موارد نیست، لذا مورد حمایت قانونگذار نبوده و عمل مرتکب فاقد عنصر قانونی جرم خیانت در امانت می‌باشد، فلذا قرار منع تعقیب صادر می‌گردد...». البته دادیار محترم اظهارنظر در ابراز عقیدهٔ خود در این پرونده بیان داشته: «با قرار صادره مخالفم؛ سگ مورد بحث مالیت دارد و بایستی اقدامات لازم در خصوص تکمیل تحقیقات صورت گیرد».

۱. شعبهٔ ۳۱ دیوان‌عالی کشور به‌موجب دادنامهٔ شمارهٔ ۳۱/۷۶۱ مورخ ۱۳۷۳/۸/۲۸چنین رأی داده است: «... چون مالیت شراب محل شبهه و تردید است و درنتیجه تعیین جریمه بر اساس مشروبات کشف شده صحیح به نظر نرسیده و رأی صادره از جهت پرداخت مبلغ ۲۲۱٤۱٥٤۲ ریال جریمه نقض بلاارجاع گشته...».

مالیت‌نداشتن این‌گونه اشیا، وسیلۀ تجاوز به حقوق افراد و بی‌نظمی جامعه فراهم نشود؛ لـذا مادامی‌که ممنوعیت قانونی در خصوص خریدوفروش و نگهداری سگ‌های تزیینی وضع نشده است، به‌لحاظ عدم منع قانونی خریدوفروش این‌گونه اشیا و صرف‌نظر از بحث نجاست سگ، مالک آن‌ها باید تحت حمایت قانونی قرار گیرد و تبعات نپذیرش این نظر و حمایت از ناقضان این حق، نظم و امنیت اجتماعی جامعه را دچار اخلال می‌کند.

یکی از توجیهات قانونی لزوم پذیرش این ادعا، این است که بر اساس بند الف مادۀ ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی (کتاب حدود)، در صورتی سرقت حدی محسوب می‌شود که شیء مسروقه شرعاً مالیت داشته باشد، اما در سرقت تعزیری، مالیت شرعی مال مسروقه ملاک نیست، بلکه مالیت عرفی کافی است؛ زیرا اولاً در مادۀ ۲۶۷ قانون مجازات بیان شده که سرقت عبارت از ربودن مال غیر است و مال غیر به‌صورت مطلق بیان شده و مقید به مالیت شرعی یا عرفی نشده است. درحالی‌که در سرقت حدی به‌جهت اهمیت موضوع حد، مادۀ ۲۶۷ مقید به مالیت شرعی شده است، اما در خصوص سرقت‌های تعزیری این اطلاق به قوت خود باقی است و مالیت شرعی ملاک در تعقیب کیفری نیست و مالیت عرفی کافی است. مادۀ ۲۷۶ قانون مجازات اسلامی نیز مؤید این نظر است که بر اساس آن اگر هریک از شرط‌های مادۀ ۲۶۸ نباشد، عمل ارتکابی مشمول سرقت تعزیری است. بنابراین سرقت سگ تزئینی و خانگی قطعاً سرقت تعزیری محسوب می‌شود و مورد حمایت قانونگذار است. رویۀ قضایی نیز در این زمینه آرای شایان توجهی دارد.[1] حتی دربارۀ خمر نیز نظریۀ مشورتی ۷/۸۲۷ مورخ ۸۵/۶/۱۲ ادارۀ حقوقی قوۀ قضاییه اشاره دارد که

---

١. أ. در تصمیم شمارۀ ٩٨٠٩٩٧٥١٢٧٧٠٠٦٧٩ مورخ ١٣٩٨/٧/٢٥ شعبۀ ٦٠٨ بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب مشهد آمده است: «در خصوص شکایت... علیه... دائر به سرقت سگ و ملزومات آنکه باتوجه‌به توضیحات بعدی شاکی در این بازپرسی مشخص گردیده عمل ارتکابی با عنوان خیانت در امانت قابل‌انطباق است بدین شرح که شاکی سگ خانگی یا تزئینی خود را برای مدت کوتاهی جهت نگهداری به مشتکی‌عنه سپرده و مدعی گردیده که مشتکی‌عنه اقدام به تصاحب سگ نموده است؛ بدواً در خصوص ایراد مطرح شده مبنی‌بر عدم مالیت و نجاست سگ موضوع پرونده که موجب زوال ارکان تحقق بزه خیانت در امانت می‌گردد. قابل توضیح است که اگرچه نجاست سگ و عدم مالیت آن (به‌جز کلاب اربعه) در منابع فقه اسلامی مورد تأیید قرار گرفته لیکن باتوجه‌به مقتضیات زمان و مصالح جامعه پذیرش عدم مالیت شرعی برای عدم تحقق بزه کافی نیست، چراکه بخشی از هدف مسئولیت کیفری، حمایت از حقوق جامعه و بازدارندگی اعمال نامشروع است و نمی‌توان به استناد عدم مالیت شرعی و یا نجاست، حق تجاوز به حقوق افراد جامعه و ترویج هرج‌ومرج را مباح تلقی کرد و در قوانین کیفری نیز مواردی دیده می‌شود که عدم شمول مالیت شرعی اگرچه موجب سلب شرایط حد است (مادۀ ٢٦٨ از کتاب حدود قانون مجازات اسلامی)، لیکن موجب سلب مسئولیت کیفری به‌طور کلی نمی‌شود (مادۀ ٢٧٦ ٢٦٨ از کتاب حدود قانون مجازات اسلامی). حتی مضاف بر این اگرچه در نگاه فقها و برخی حقوق‌دانان، برای مال تلقی‌شدن یک شیء مالیت شرعی‌بودن رکن اساسی شمرده شده است؛ لیکن باتوجه‌به تعاریف صورت گرفته در قانون مدنی و در لسان بسیاری از حقوق‌دانان، نکتۀ اساسی در تلقی مالیت یک شی؛ ارزش عرفی و اقتصادی آن است که در صورت وجود این خصیصه، در صورت وجود تلف یا نقص مال، حسب مورد علاوه‌بر مسئولیت کیفری، مسئولیت مدنی نیز قابل تحقق است. نکتۀ دیگر در پاسخ به ایراد مطروحه، وجود حق اختصاص برای صاحب مال است که چنین حقی در اعیان نجسه مورد حمایت و تأیید بسیاری از فقهاست؛ لذا جمیع جهات یادشده وجود مسئولیت کیفری و حتی در مواردی وجود مسئولیت مدنی موضوع را توجیه می نماید؛ اما صرف‌نظر از این جوانب که اصل رسیدگی را مخدوش نمی‌سازد، باتوجه‌به گذشت شاکی خصوصی از مشتکی‌عنه و اینکه مشتکی‌عنه بعداً رسیدی مبنی‌بر تحویل سگ به شاکی ارائه نموده است و اظهار داشته که امکان تحویل به‌جهت نبودن در منزل برایش فراهم

«سرقت مشروبات الکلی و تجهیزات دریافت از ماهواره دارای وصف مجرمانه است، چون دارای مالیت عرفی هستند». در واقع وصف مجرمانه را منوط به داشتن مالیت عرفی کرده است. البته در مطالب بعدی خواهد آمد که استدلال‌ها و تحلیل‌های این پژوهش عمدتاً ناظر بر اعیان نجسی است که در عرف مالیت آن‌ها قطعی باشد؛ مانند سگ‌های تزیینی و مالیت اعیانی مانند شراب که در عرف نیز مالیت آن محل تردید است، قابل دفاع نیست.

۳- نتایج رویکرد بیان‌شده از فقه امامیه و حقوق ایران نسبت به حقوق دارندگان سگ‌های تزیینی

قبل از بیان نتایج رویکردهای مذکور، ذکر این نکته ضروری است که از دلایل نپذیرش دعاوی صورت‌گرفته نسبت به سگ تزیینی و خانگی، قیاس آن با برخی از نجاسات دیگر ازجمله خوک و خمر است. به‌دلیل اینکه بسیاری از حقوق‌دانان برخلافِ میل باطنی به پذیرش مالیت و دعاوی راجع به سگ تزیینی، با مقایسهٔ آن با خوک و خمر از ادامهٔ راه بازمی‌مانند و معتقدند که اگر ملاک، منفعت عقلایی شرعی‌داشتن نباشد و بگوییم سگ تزیینی هم وسیله‌ای برای سرگرمی و تفریح است و در آن نوعی منفعت عرفی دیده می‌شود، همین استدلال را در خصوص خوک و مشروب نیز باید بپذیریم و پذیرش دعاوی مربوط به سگ‌های تزیینی در محاکم، تأیید قابلیت طرح دعاوی مربوط به خمر و خوک است که پذیرفتنی نیست. در واقع باید گفت نباید منفعت عقلایی را به هر امری تسری داد؛ چراکه اگر بنا در تفسیر منفعت

نبوده که دفاع وی محمول بر صحت تلقی می شود، تحقق ارکان بزه محرز نیست و با لحاظ حاکمیت اصل کلی برائت و مستنداً به مادهٔ ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری قرار منع تعقیب صادر و اعلام می‌گردد».

ب. در رأی صادره از شعبهٔ ۱۰۱ دادگاه کیفری دو مشهد در پروندهٔ ۹۶۰۹۹۸۵۱۲۷۷۰۰۱۸۸ آمده است: «به‌موجب کیفرخواست دادسرای عمومی و انقلاب مشهد آقایان۱... و۲... ردیف دوم متهم به الف: سرقت یک قلادهٔ سگ خانگی به ارزش ۳ میلیون ریال متعلق به خانم مینا ب: شرکت در ایراد ضرب و جرح عمدی با چاقو.... بزه سرقت منتسب به متهم ردیف دوم به‌طریق حصول علم برای دادگاه... محرز و مسلّم بوده و متهم ردیف دوم را بابت سرقت به هشت ماه حبس تعزیری و سی ضربه شلاق تعزیری و رد مال مسروقه یا مثل یا قیمت آن در حق شاکیه محکوم می‌نماید...».

شعبهٔ ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان خراسان رضوی نیز ایرادی به این دادنامه وارد ندیده و آن را تأیید کرده است: «در خصوص تجدیدنظرخواهی آقایان... به دادنامهٔ شمارهٔ ۹۶۰۹۹۷۵۱۱۵۶۰۰۸۷۷ مورخ ۱۳۹۶/۶/۷ صادره از شعبهٔ ۱۰۱ کیفری دو مشهد که به‌موجب آن آقای... به اتهام سرقت یک قلاده سگ موضوع شکایت خانم... به ۸ ماه حبس و ۳۰ ضربه شلاق و رد مال مسروقه یا مثل یا قیمت آن محکوم گردیده... در خصوص سرقت تجدیدنظرخواهی وارد نیست... رأی مطابق ادله و وفق قانون صادر شده... دادنامهٔ تجدیدنظرخواسته تأیید می‌گردد».

ج: همچنین در دادنامهٔ شعبهٔ ۱۲۴ دادگاه کیفری دو مشهد در پروندهٔ ۹۵۰۹۹۷۷۵۹۲۴۰۰۵۸۰ برای سرقت سگ خانگی تصمیم مشابهی اتخاذ شده که به‌موجب آن: «به شرح مندرج در کیفرخواست صادره از سوی دادسرای عمومی و انقلاب مشهد مقدس در صفحهٔ ۲۲ پروندهٔ متهم آقای مجید به آدرس مندرج در پروندهٔ اتهامش دایر بر سرقت یک قلاده سگ به ارزش ۲ میلیون تومان در شب از داخل منزل موضوع شکایت مالباخته خانم... می‌باشد... دادگاه... متهم موصوف را علاوه بر رد مال مسروقه به تحمل ۶ ماه حبس تعزیری و سی ضربه شلاق تعزیری محکوم می‌نماید».

عقلایی و توسعه‌دادن مصادیق آن باشد، در این صورت هیچ چیزی نیست که فاقد منفعت عقلایی باشد. افزون بر این، دو مقوله دارای وضعیت یکسان نیستند، به‌سبب اینکه در شرایط کنونی جامعه، نگرش نسبت به سگ تزیینی، خمر و خوک یکسان نیست و ارزش عرفی خمر و خوک در نگاه اجتماعی نیز محل شک و تردید است و عرف برای این دو شیء قبح بیشتری قائل است و از سوی دیگر واکنش اجتماعی و کیفری در برابر خمر، موجبی برای مقبولیت‌نداشتن و نامشروعیت آن است و فرهنگ عمومی هنوز در باب تلف مشروبات الکلی این حمایت را نمی‌پذیرد (خدابخشی، حقوق دعاوی، ۲۹۲). به همین جهت دربارۀ سگ‌های تزیینی باید گفت: باتوجه‌به متون فقهی و مبانی قانون، مشروعیت‌بخشیدن به این اعیان نجس مخالفِ صراحت فقه (فیاض، ۳۱۱؛ انصاری، ۶۲/۱؛ روحانی، ۱۰۶/۱؛ منتظری، ۲/ ۱۱۶؛ عراقی، ۱۸) و برخی مواد قانونی است،[1] ولی از ارزش عرفی این اعیان نیز نباید مغفول ماند.

بر اساس آنچه تاکنون از فقه و مبانی قانونی بیان شد، دریافت می‌شود که دلیل مالیت‌نداشتن شرعی سگ‌های تزیینی، نداشتن منفعت حلال است. به‌عبارت‌دیگر عدم تصور وجود منفعت مشروع این اعیان، عامل اصلی مالیت‌نداشتن آن‌ها بود، به‌نحوی که آن دسته از اعیان نجسی که منفعت حلال خاصی می‌یافتند، استثنا می‌شدند و مالیت آن‌ها در شرع نیز پذیرفته می‌شد که به مرور زمان و با تغییرات اجتماعی و مبانی اقتصادی بر شمار این استثنائات افزوده شده است؛ برای مثال مالیت اعضای بدن انسان در حال حاضر پذیرفته شده است (رجایی و محقق داماد، ۱۶۵) و کمتر تردیدی در مالیت سگ‌های امداد و نجات وجود دارد و در نجاست آن‌ها تغییری حادث نشده است. همان طور که در قسمت اول بیان شد، حتی از نگاه فقها نیز مالیت عرفی مغفول نمانده است و نکتۀ مهم در تشخیص منفعت، نیاز و رغبت عقلا است. بنابراین اگر نیاز جامعه به‌سمتی حرکت کند که لزوم استفاده از برخی اعیان در زندگی ضرورت یابد، نادیده‌گرفتن این نیازها موجب تضییع حقوق اشخاص است. البته باید توجه داشت که رغبت عرفی که در خصوص سگ‌های تزیینی وجود دارد، عرف عام به‌معنای اصلاحی نیست، ولی باید گفت از عرف خاص نیز فراتر است و فارغ از سخن دربارۀ بحث اصطلاحی، عرفی که به این اعیان رغبت دارند فراتر از عرف خاص هستند و در زمرۀ عرف‌های خاص جای نمی‌گیرد؛ به همین دلیل پذیرش ارزش اقتصادی این‌گونه سگ‌ها در نظر عموم مردم و جامعۀ جهانی انکارشدنی نیست، مگر اینکه ارزش عرفی مالی دقیقاً منطبق با ارزش شرعی آن سنجیده شود که در این صورت به‌جهت عدم مشروعیت شرعی، ارزش عرفی آن نیز مفقود می‌شود. در نگاه قانونی نیز موضوع حمایت از حقوق دارندگان سگ‌های تزیینی مسکوت مانده است، ولی در تفاسیر برخی حقوق‌دانان از مال، صرفاً ارزش عرفی اقتصادی لحاظ شده است و ازاین‌جهت سگ

---

۱. مانند مادۀ ۲۱۵ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «مورد معامله باید مالیت داشته و متضمن منفعت عقلایی مشروع باشد».

تزیینی نیز می‌تواند ارزش داشته باشد. سگ تزیینی ممکن است علاوه بر تفریح، به‌منظور نگهبانی از منزل نیز استفاده شود که در این صورت تردیدی در مالیت آن ازنظر فقها نیست، اما اصل بحث خارج از این موضوع است؛ چراکه باتوجه‌به جثهٔ این نوع سگ‌ها، نوعاً قابلیت نگهبانی ندارند و بیشتر برای سرگرمی استفاده می‌شوند. باتوجه‌به اینکه در شرایط کنونی، نگهداری بسیاری از حیوانات ازجمله سگ‌های تزیینی به‌منظور سرگرمی و تفریح با منع صریح اجتماعی و قانونی[1] همراه نیست، حق دارندگان این اعیان نیز حمایت‌شدنی است و تجاوز به آن مستلزم مسئولیت متجاوز خواهد بود.[2] رویهٔ قضایی و آرای متعدد صادره از شعب دادگاه‌ها که بیان شد نیز زمینهٔ حمایت از حق دارندگان این نوع سگ‌ها از تجاوز غیرمجاز را فراهم کرده است و برخی نظریات مشورتی نیز رویکرد حمایتی در این جهت را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد علی‌رغم نپذیرفتن مالیت شرعی، حمایت تلویحی در برخی مواد قانونی مانند قانون شکار و صید، لزوم حمایت از مال، ملک و حق جامعه و مردم، دادگاه‌ها را در نپذیرفتن این نوع دعاوی قانع نکرده است و این امر دارای نتایج حقوقی (مسئولیت مدنی و کیفری) است که شرح آن بیان خواهد شد.

۳-۱. مسئولیت مدنی

در مسئولیت مدنی، ورود ضرر شرط تحقق و از ارکان مسئولیت است (کاتوزیان، الزام‌های خارج از قرارداد، ۳۷) و در تشخیص ضرر و ازدست‌رفتن مال، ارزش اقتصادی عرفی مدنظر قرار می‌گیرد و هرگاه آنچه ازدست‌رفته قابل ارزیابی به پول باشد، ضرر مالی است (قاسم‌زاده، ۸۴؛ صفایی و رحیمی، ۱۰۰؛ کاتوزیان، الزام‌های خارج از قرارداد، ۲۴۲). مسئولیت مدنی، جبران خسارت ناشی از عمل زیان‌بار نامشروعی است که خارج از قرارداد روی داده و در یک وجه خود ممکن است مستلزم وقوع جرمی نیز باشد (صفایی و رحیمی، ۶۲). گاهی نیز فعل زیان‌بار مستلزم وقوع جرم نیست. در تحقق مسئولیت مدنی

---

۱. گاهی اوقات نگهداری و گرداندن سگ یا حیوانات دیگر در منزل یا برخی اماکن ممنوع و مستوجب تحقق جرایمی ازجمله تهدید علیه بهداشت عمومی، مزاحمت و... است که در این صورت حق دارندهٔ سگ مورد حمایت قانونگذار نیست. برای مثال در تصمیم مورخ ۱۳۹۷/۳/۱۳ شعبهٔ ۶۰۸ بازپرسی دادسرای مشهد در پروندهٔ کلاسهٔ ۹۶۰۹۴۱ آمده: «در خصوص اتهام... دائر به ایجاد مزاحمت ملکی موضوع شکایت... نظر به توضیحات ارائه‌شده از ناحیهٔ شاکی که نگهداری و سر و صدای مداوم سگ‌های متعلق به... موجب سلب آسایش وی گردیده... لذا قرار جلب به دادرسی وی صادر می‌گردد».

۲. در قانون شکار و صید برای شکار حیوانات نجس مانند گراز یا خوک وحشی که از خانوادهٔ خوک و نجس است نیز مجازات در نظر گرفته شده است و این جانوران نیز مورد حمایت قانونگذار قرار گرفته‌اند و متلف دارای مسئولیت کیفری است و مکلف به پرداخت جریمه بابت جبران خسارت به سازمان حفاظت از محیط زیست است (برای دیدن مصادیق مجرمانهٔ شکار و نگهداری غیرمجاز حیوان نک: قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحات بعدی).

در دادنامهٔ صادره از شعبهٔ ۱۰۲ دادگاه کیفری دو بهبهان آمده است: «در خصوص اتهام آقای... دائر بر شکار غیرمجاز دو قلاده گراز و سه قطعه تیهو و دو قطعه مرغابی دادگاه با عنایت به... بزهکاری ور را محرز دانسته و مستنداً به بند ج مادهٔ ۳ و بند ب مادهٔ ۱۲ قانون شکار و صید و مصوبهٔ شورای عالی محیط زیست مصوب ۱۳۹۳ حکم به محکومیت نامبرده به پرداخت هجده میلیون ریال جزای نقدی درحق صندوق دولت جمهوری اسلامی ایران و پرداخت بیست میلیون ریال بابت خسارات وارده بر محیط زیست در حق مرکز درآمد شکار و صید استان خوزستان صادر می‌نماید» (جعفری و احمدی، ۱۲۰).

وجود ارکان مسئولیت شامل وقوع فعل زیان‌بار، تحقق ضرر، رابطهٔ سببیت بین آن‌ها الزامی است و این امر ممکن است در خصوص اعیان نجس نیز رخ دهد، اما آیا می‌توان صرفاً به‌جهت نداشتن مالیت شرعی جبران خسارت را منتفی دانست؟ به نظر می‌رسد ارائهٔ پاسخ صحیح مستلزم تحلیل مناسب از مالیت‌داشتن این اعیان ازنظرِ عرف است. یکی از شرایط قابلیت مطالبهٔ ضرر، مشروع‌بودن حق موضوع مطالبه است. بنابراین اگر قوانین کشوری، حقوقی برای فرد مقرر داشته باشد، تجاوز به آن مسئولیت دارد. بدیهی است لطمه به وضعیت‌هایی که قانون به رسمیت نشناخته است، اگرچه آن لطمه موجب خسارت شود، سبب ایجاد مسئولیت نیست (سپهوند، ۱۴۷). برای مثال اگر کسی درنتیجهٔ تصادف سبب هدررفتن مشروبات الکلی دیگری شود، مکلف به جبران نیست، مگر اینکه حق نگهداری برای دارنده به رسمیت شناخته شده باشد. با این توضیح، تجاوز به حق مالی دارندهٔ سگ تزیینی مانع ضمان متلف نیست و در تأیید این نظر می‌توان به تصمیم شعبهٔ ۱۰۱ دادگاه کیفری دو مشهد در پروندهٔ کلاسهٔ ۹۶۰۹۹۸۵۱۲۷۷۰۰۱۸۸ اشاره کرد که به‌موجب آن، ضمانِ غاصب ثابت دانسته شده است. در این تصمیم آمده است: «ردیف دوم متهم است به أ: سرقت یک قلاده سگ خانگی به ارزش ۳ میلیون ریال متعلق به خانم... لذا متهم ردیف دوم را بابت سرقت به رد مال مسروقه یا مثل یا قیمت آن در حق شاکیه محکوم می‌نماید... ». تصمیم صادره توسط شعبهٔ ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان خراسان رضوی تأیید شده است. در تصمیم ۹۸۰۹۹۷۵۱۲۷۷۰۰۶۷۹مورخ ۱۳۹۸/۷/۲۵ شعبهٔ ۶۰۸ بازپرسی که مفاد آن بیان شده نیز به تحقق مسئولیت مدنی در قبال اعیان نجسه اشاره شده است، لذا هدف مسئولیت مدنی که اعادهٔ وضع به حال سابق یا جبران خسارت است، در این آرا لحاظ شده و داشتن مالیت سگ تزیینی در نگاه جامعه، لزوم جبران خسارات وارده در خصوص این اعیان را می‌طلبد، در غیر این صورت مجوز اتلاف اموال افراد جامعه به‌جهت عمد یا تقصیر فراهم می‌شود.

افزون بر قابلیت پذیرش مسئولیت مدنی از دیدگاه حقوقی همان طور که در قسمت اول بیان شد، برخی از فقها (نایینی، ۳۶۵/۲تا۳۶۶) بیان کرده‌اند: «حق این است که ضمان مطلقاً ثابت است، هرچند شیء مورد ضمان ملک نباشد؛ چراکه برای ثبوت ضمان، حق اختصاص صاحب نسبت به آن شیء کفایت می‌کند و برای ثبوت ضمان نیاز به ملکیت تام نیست، بلکه مرتبهٔ پایین‌تر از ملکیت که از آن تعبیر به حق می‌شود نیز کافی است، ولی این ثبوت ضمان جواز خریدوفروش را ثابت نمی‌کند، چون مالیت و ملکیتی وجود ندارد». ازنظر فقهی برای جریان ضمان، وجود حق کافی است و به‌صرف وجود حق اختصاص مسئولیت مدنی ثابت است و نیازی به ورود به بحث مالیت نیست.

۳-۲. مسئولیت جزایی

قاعدهٔ جزایی درعین استقلال در مقابل تحلیل‌های مدنی، برای حمایت از حقوق مالی و اعتباری آن وضع می‌شود (خدابخشی، حقوق دعاوی، ۲۹۱). نظم عمومی در قوی‌ترین جنبهٔ خود در موضوعات کیفری تبلور یافته و واکنش نشان می‌دهد و حفظ این نظم اقتضا دارد که حقوق کیفری نوعی، وابستگی با حقوق مدنی نداشته باشد و این ویژگی همان استقلال حقوق کیفری است (همو، تمایز بنیادین حقوق مدنی و حقوق کیفری، ۳۶۹). آثار جزایی حمایت از اعیان نجس در مقایسه با آثار مدنی با مقبولیت بیشتری همراه است. محکومیت سرقت سگ تزیینی در آرای برخی محاکم و نظریات مشورتی متعدد که در مبحث اول بیان شد، نشان از توجه به مالیت این اعیان و معیارهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و احترام به حقوق اشخاص است. حقوق کیفری به مفهوم اقتصادی مال توجه ویژه‌ای دارد و نه‌تنها ارزش اقتصادی اشیایی مانند موادمخدر، ماهواره، اعیان نجس را تأیید می‌کند، بلکه اساساً موضوع جرایم مالی خود را با نگاه بیرونی تعیین می‌کند نه ارزیابی درونی و ارزشی. میان مال ذاتی و مال تبعی و سند مالی نیز تفاوت نمی‌گذارد و ارتکاب اعمال مجرمانه در تمام این موارد را یکسان می‌داند (همو، همان، ۴۸۱تا۴۸۲). علاوه بر مالیت این اعیان، نظم عمومی جامعه برای حمایت از اشیائی که تلقی مال بر آن‌ها دشوار است نیز غافل نمانده و تجاوز به حقوق افراد، ترویج هرج‌ومرج و بی‌نظمی، نقض هنجارها و ارزش‌های اساسی جامعهٔ خود با فلسفهٔ وضع قواعد کیفری در تعارض است (افراسیابی و مصطفی‌زاده، ۲۰). از همین جهت است که مقنن به ولیّ‌دم اجازه نداده است که شخصاً حق قصاص خود را اِعمال کند[1] و زمینهٔ اختلاف در جامعه را فراهم آورد یا با تلف برخی اعیان نجس نظم و امنیت عمومی در زمینه‌ای خاص را به هم بزند. [2] البته قطعاً در نوع مجازات توجه به نوع مالیت گاهی مدنظر قانونگذار قرار گرفته و شرعیت یا عدم شرعیت مالی کیفیت جرم را تغییر داده است، به‌گونه‌ای که وجود مالیت شرعی از شرایط اساسی در ثبوت حد برای جرم سرقت است و مالیت‌نداشتن شرعی از قبح عمل نمی‌کاهد، اما شدت مجازات را کاهش می‌دهد. بنابراین تمسک به عدم مالیت شرعی موجب رهایی اشخاص از قیدوبندهای اجتماعی، نظم و امنیت عمومی

---

۱. مادهٔ ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «درصورتی‌که مجنی‌علیه دارای یکی از حالات زیر باشد، مرتکب به قصاص و پرداخت دیه محکوم نمی‌شود: الف. ... ب. ... پ. ... مستحق قصاص نفس یا عضو فقط نسبت به صاحب حق قصاص و به مقدار آن قصاص نمی‌شود. ت. ... ث. ... .

تبصرهٔ ۱. «اقدام درمورد بندهای الف، ب و پ این ماده بدون اجازه دادگاه جرم است و مرتکب به تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود».

۲- برای مثال بر اساس مادهٔ ۱۲ و ۱۸ قانون شکار و صید مصوب ۱۳٤٦ با اصلاحات بعدی، شکار و صید برخی از گونه‌های حیوانات حمایت‌شده جرم تلقی می‌شود و سازمان حفاظت محیط زیست حق مطالبهٔ ضرر و زیان ناشی از جرم را دارد که بر اساس ردیف ۱۱ جدول بهای جانوران وحشی موضوع بند چ قانون شکار و صید، گراز که نوعی از گونهٔ خوک و نجس‌العین است نیز پیش‌بینی شده و مورد حمایت قانونگذار قرار گرفته است.

نیست. چگونه می‌توان ربودن بدون مجوز سگ فردی در معابر را اعم از اینکه با توسل به زور باشد یا نباشد، مجاز شمرد درحالی‌که منع قانونی برای نگهداری آن نیست؟ آیا آثار چنین اقداماتی جز حمایت از بزهکار و نقض نظم و امنیت جامعه است؟ ازاین‌رو است که برخی هنجارگرایی را پایگاه استقلال حقوق کیفری تلقی کرده (خدابخشی، تمایز بنیادین حقوق مدنی و حقوق کیفری، ۳۷۵) و معتقدند که مبانی جرم‌انگاری حقوق کیفری تابعی از حقوق مدنی نیست، بلکه از اصل ضرر عمومی و صدمه سرچشمه می‌گیرد (همو، همان، ۳۷۹). حقوق کیفری در پی جبران خسارات به مفهوم اخص خود نیست، بلکه با ابزارهای خاص خود اهداف دیگری همچون، تنبه و پیشگیری اعم از فردی و اجتماعی را در ذهن می‌پروراند (اردبیلی، ۴۸تا۴۹؛ کاتوزیان، مقدمهٔ علم حقوق، ۹۵). از همین جهت است که برخی حقوق‌دانان معتقدند حمایت از همهٔ انواع علاقه‌های مادی و اعتباری اشخاص با فلسفهٔ حقوق کیفری سازگار است و محدودیت تنها باید در مواردی باشد که مال در هر دو حوزهٔ مدنی و جزایی فاقد ارزش ذاتی و حمایت قانونی باشد (خدابخشی، حقوق دعاوی، ۲۹۲). با این تحلیل مالیت عرفی سگ تزیینی اعمال قواعد حقوق کیفری در این زمینه را می‌طلبد.

نتیجه گیری

باتوجه‌به زمینهٔ فقهی دربارهٔ سگ‌های تزیینی که جنبهٔ مالیت‌نداشتن در آن برجسته است و تغییرات اجتماعیِ حاصل‌شده که بُعد مالیت عرفی سگ‌های تزیینی را تقویت می‌کند، رویکردهای متفاوتِ حمایتی و عدم حمایت نسبت به حقوق دارندگان سگ‌های تزیینی سبب صدور آرای متفاوت در رویهٔ قضایی شده است. علی‌رغم این اختلاف، تحلیل آرا نشان از گرایش به سمت جبران خسارت و حمایت از حقوق رسمی افراد در برابر هرگونه تجاوز دارد و به‌جز موارد ممنوعِ مصرّح قانونی، جبران خسارت زیان‌دیده لازم است. این امر مُثبِت مسئولیت مدنی برای متجاوزان به حقوق دارندگان سگ‌ها تزیینی است. واکنش حقوق کیفری به این موضوع نیز با قاطعیت بیشتری همراه است. توجه به هنجارهای اجتماعی و گریز از بی‌نظمی و استقلال حقوق کیفری از حقوق مدنی از مبانی اصلی مسئولیت کیفری در خصوص این اعیان است. باتوجه‌به مالیت عرفی این اعیان که از دیدگاه حقوقی و برخی منابع فقهی تأییدشدنی است و همچنین حق اختصاصی که فقه به دارندگان سگ‌های تزیینی می‌دهد، باید رویکرد حمایتی را لحاظ کرد و نتایج این رویکرد حمایتی (مسئولیت مدنی و کیفری) را نیز بار کرد. درنهایت باید گفت: تحقق رویهٔ قضایی واحد منوط به تصریح مقنن یا صدور آرای قضایی لازم‌الاتباع است، لذا شایسته است تا با درنظرگرفتن شرایط و بنیان‌های جامعهٔ امروزی، مراجع تقنینی صریحاً تدبیر مناسبی در این خصوص اتخاذ کنند.

منابع

قرآن کریم

ابن‌بابویه، محمدبن‌علی، المقنع، قم: امام‌هادی(ع)، ۱۴۱۵ق.

ابن‌حیون، نعمان‌بن‌محمد، دعائم الإسلام، چاپ دوم، قم: آل‌البیت(ع)، ۱۳۸۵ق.

اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، چاپ۴۹، تهران: میزان، ۱۳۹۵.

اصغری، عبدالرضا و مهدیه لطیف‌زاده، «رویکرد فقه امامیه دربارهٔ بیع میته به مستحلین»، دو فصلنامهٔ آموزه‌های فقه مدنی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش۱۵، ۱۳۹۶، صص۱۳۳تا۱۵۸.

افراسیابی، محمداسماعیل و فهیم مصطفی‌زاده، «بررسی رویکرد ابزارگرا به حقوق کیفری ایران در پرتوِ قانون اساسی»، فصلنامهٔ دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش۶۸، ۱۳۹۳، صص۱۹تا۴۶.

امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، چاپ بیست‌وپنجم، تهران: اسلامیه، ۱۳۸۴.

انصاری، مرتضی‌بن‌محمدامین، کتاب المکاسب، چاپ اول، قم: کنگرهٔ جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق.

بحرانی، یوسف‌بن‌احمد، الحدائق الناضرة فی أحکام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ق.

جعفری، امین و اصغر احمدی، «نقد سیاست کیفری تقنینی و قضایی ایران در جرم‌انگاری و تعیین کیفر شکار و صید گونه‌های جانوری»، پژوهشنامهٔ حقوق کیفری، س۹، ش۲، ۱۳۹۷، صص ۱۰۳تا۱۳۲.

حر عاملی، محمدبن‌حسن، وسائل الشیعة، قم: آل‌البیت، ۱۴۰۹ق.

خدابخشی، عبدالله، تمایز بنیادین حقوق مدنی و حقوق کیفری، چاپ دوم، تهران: شهر دانش، ۱۳۹۲.

ــــــــــــــــ، حقوق دعاوی (تحلیلی حقوقی روایات)، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۵.

خمینی، روح‌الله، کتاب الطهارة، تهران: تنظیم و نشر آثار امام‌خمینی، ۱۴۲۱ق.

خوانساری، احمد، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، قم: اسماعیلیان، ۱۴۰۵ق.

رجایی، فاطمه و سیدمصطفی محقق داماد، «بررسی فقهی حقوقی مالیت اعضای بدن انسان»، مجلهٔ فقه پزشکی، ش۲۶تا۲۷، ۱۳۹۵، صص۱۳۷تا۱۷۳.

روحانی، محمدصادق، منهاج الفقاهة، چاپ پنجم، قم: انوارالهدی، ۱۴۲۹ق.

سپهوند، امیر، «مسئولیت مدنی»، مجلهٔ کانون وکلا، ش۱۲۸تا۱۲۹، ۱۳۵۳، صص۱۴۰تا۱۴۹.

شهید اول، محمدبن‌مکی، القواعد و الفوائد، چاپ اول، قم: کتاب‌فروشی مفید، بی‌تا.

شهید ثانی، زین‌الدین‌بن‌علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم: کتاب‌فروشی داوری، ۱۴۱۰ق.

صاحب‌جواهر، محمدحسن‌بن‌باقر، مجمع الرسائل، چاپ اول، مشهد: صاحب الزمان(ع)، ۱۴۱۵ق.

صفایی، حسین و حبیب‌الله رحیمی، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، تهران: سمت، ۱۳۹۱.

عراقی، ضیاءالدین، حاشیة المکاسب، به تقریر ابوالفضل نجم‌آبادی، چاپ اول، قم: غفور، ۱۴۲۱ق.

علم‌الهدی، علی‌بن‌حسین، المسائل الناصریات، رابطة الثقافة و العلاقات الإسلامیة، تهران: بی‌نا، ۱۴۱۷ق.

فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - المکاسب المحرمة، چاپ اول، قـم: مرکـز فقهـی ائمهٔ اطهار(ع)، ۱۴۲۷ق.

فیاض، محمداسحاق، رسالهٔ توضیح المسائل، چاپ اول، قم: مجلسی، ۱۴۲۶ق.

قاسم‌زاده، سید مرتضی، الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، چاپ نهم، تهران: میزان، ۱۳۹۰.

قمی، عباس، الغایة القصوی فی ترجمة العروة الوثقی، چاپ اول، قم: منشورات صبح پیروزی، ۱۴۲۳ق.

کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد (مسئولیت مدنی)، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۱.

ـــــــــــــــــ، اموال و مالکیت، چاپ بیست وسوم، تهران: میزان، ۱۳۸۷.

ـــــــــــــــــ، مقدمهٔ علم حقوق و مطالعه در نظام حقـوق ایـران، چـاپ چهـل‌ودوم، تهـران: شـرکت سـهامی انتشار، ۱۳۸۳.

کاشف الغطاء، جعفربن‌خضر، شرح الشیخ جعفر علی قواعد العلاّمة ابن المطهر، بی‌جا: کاشف الغطـاء-الـذخائر، ۱۴۲۰ق.

کلینی، محمدبن‌یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.

محقق کرکی، علی‌بن‌حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، چاپ دوم، قم: آل‌البیت(ع)، ۱۴۱۴ق.

مکارم شیرازی، ناصر، أنوار الفقاهة کتاب التجارة، قم: مدرسهٔ امام علی‌بن‌ابی‌طالب(ع)، ۱۴۲۶ق.

ـــــــــــــــــ، دائرة المعارف فقه مقارن، چاپ‌اول، قم: مدرسهٔ امام علی‌بن‌ابی‌طالب(ع)، ۱۴۲۷ق.

منتظری، حسینعلی، دراسات فی المکاسب المحرمة، قم: تفکر، ۱۴۱۵ق.

مهدی‌پور، حمید، «گزارش نشست قضایی استان»، نشریهٔ قضاوت، ش۳۶، ۱۳۸۴، ص۲۵تا۴۸.

میرمحمد صادقی، حسین، حقوق کیفری اختصاصی جرایم علیه اموال و مالکیت، چاپ بیست‌ودوم، تهـران: میـزان، ۱۳۸۷.

نایینی، محمدحسین، المکاسب و البیع، به‌تقریر محمدتقی آملی، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.

نراقی، احمدبن‌محمدمهدی، عوائد الأیام فی بیان قواعد الأحکام، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۷ق.

ـــــــــــــــــ، مستند الشیعة فی أحکام الشریعة، چاپ اول، قم: آل‌البیت(ع)، ۱۴۱۵ق.

هاشمی شاهرودی، سیدمحمود و جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، فرهنگ فقه مطـابق مـذهب اهـل بیـت علیهم السلام، چاپ اول، قم: دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت(ع)، ۱۴۲۶ق.

ـــــــــــــــــ، موسوعة الفقه الإسلامی طبقا لمذهب أهل‌البیت علیهم السلام، چـاپ اول، قم: دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت(ع)، ۱۴۲۳ق.

همراه با دایرة المعارف فقه اسلامی ائتلاف- قسمت اول، «مجلهٔ فقه اهل‌بیت علیهم السلام، قم: دائرة المعـارف فقـه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت(ع)، ش۵۰، ص ۱۹۲تا۲۲۳.

همراه با دایرة المعارف فقه اسلامی اتلاف– قسمت دوم، مجلهٔ فقه اهل بیت علیهم السلام، قم: دائـرة المعـارف فقـه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت(ع)، ش۵۱، ص۱۸۴تا۲۱۲.

یوسفی، احمدعلی، «پول جدید از نگاه اندیشمندان»، مجلهٔ فقه اهل بیت علیهم السـلام، قـم: دائـرة المعـارف فقـه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت(ع)، ش۱۶، ص۱۰۸تا۱۵۱.